

## سیاسگزاری و تصحیح چند نکته

پیرو انتشار نوشتاری با عنوان «تشکل های فدایی» از جانب فردی به نام م. دلاشوب، دو تکذیبیه انتشار یافت. نخستین آن «اطلاعیه هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)» به تاریخ ۱۴ بهمن ۱۳۹۹ برابر با ۲ فوریه ۲۰۲۱ بود؛ و دومی از جانب «کمیته مرکزی سازمان راه کارگر» به تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۹۹ برابر با ۴ فوریه ۲۰۲۱.

در هر دو تکذیبیه بدرستی دعوی سخیف م. دلاشوب پیرامون انتساب اتهام «همکاری با رژیم ایران» از جانب کمیته مرکزی وقت سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به این جانب یا هر رفیق اخراجی از سازمان رد شده است. من ضمن سیاسگزاری از اقدام مسئولانه هر دو سازمان، لازم میدانم چند نکته اطلاعاتی در تکذیب نامه «کمیته مرکزی سازمان راه کارگر» را تصحیح کنم.

در «اطلاعیه در تکذیب یک ادعای مشکوک» آمده است: «حقیقت این است که پس از اوجگیری اختلافات نظری این رفقا با سازمان و مخالفت دفتر سیاسی «آن زمان» با انتشار جزوه ای از رفیق باباعلی، او در اعتراض به این اقدام بغایت اشتباه، از عضویت در کمیته مرکزی استعفاء داد و تلاش های برخی از رفقای مرکزیت سازمان در بازگرداندن ایشان ثمری نداد و این کشاکش منجر به اخراج و استعفای تعداد قابل از رفقای سازمان و رفقای «راه فدایی» گردید.»

این اطلاعات یکسره نادرست است.

اول آن که من هرگز از کمیته مرکزی سازمان راه کارگر استعفا ندادم، تنها در جلسه ی کمیته مرکزی که قرار بود درباره «حق مباحثه نظری» رای گیری به عمل آورد شرکت نکردم، چون این حق را تابع نظر کمیته مرکزی نمی دانستم، بلکه آن را یکی از شروط وحدت «راه فدایی» با «راه کارگر» می پنداشتم که طی مذاکرات وحدت پذیرفته شده بود. برای اثبات دعوی خود به شهادت رفیق اصغر ایزدی که یکی از شرکت کنندگان آن مذاکرات بود استناد می کردم، و ایشان نیز دعوی مرا تایید میکردند. رفیق محمد رضا شالگونی، اما، این دعوی را نمی پذیرفت و اصرار داشت که «مباحثات نظری» تنها با اجازه کمیته مرکزی ممکن است.

دوم، این که هیچیک از رفقای مرکزیت سازمان برای بازگرداندن من به سازمان تلاشی نکرد. کمیته مرکزی در همان نشست که من از شرکت در آن امتناع کرده بودم غیابا به اتفاق آراء رای به اخراج من از کمیته مرکزی و تعلیق عضویت در سازمان داد. این احکام از جانب دو نماینده سازمان، رفقا اصغر ایزدی و حسن حسام به من ابلاغ شد. انتخاب این دو رفیق نیز نمایشی از اتحاد و یکپارچگی «راه کارگری» ها علیه خاطی «راه فدایی» بود.

سوم، آن که به هنگام صدور احکام «اخراج و تعلیق» هیچگونه «کشاکشی» در سازمان وجود نداشت. تنها پس از دریافت خبر این احکام از جانب بدنه و کادرهای سازمان بود که اعتراضات از جای جای سازمان و ارگانهای آن برخاست. این اعتراضات صورت مسئله را از دایره تنگی که کمیته مرکزی وقت تلاش داشت جلوه دهد تا آن را به اختلاف «راه فدایی» با «راه کارگر» فروکاهد بسی فراتر رفت، و یک سوم اعضای سازمان را که به فقدان حقوق، و دموکراسی تشکیلاتی معترض بودند دربرگرفت.

یادداشت حاضر که در برگیرنده سیاسگزاری و تصحیح نکات فوق الذکر است را برای انتشار علنی در اختیار هر دو سازمان قرار میدهم.

با احترام و درودهای رفیقانه،

مهرداد باباعلی

مورخ ۱۷ بهمن ۱۳۹۹ برابر با ۵ فوریه ۲۰۲۱